

معماری ایران

از عصر صفوی تا عصر حاضر

دکتر محمد ابراهیم زارعی

تهران

۱۳۹۶

پیشگفتار

کتابی که پیش روی خوانندگان گرامی قرار دارد، با نگاهی تازه و متفاوت، به بررسی معماری ایران از دوره صفوی تا عصر حاضر پرداخته است. در این نوشته معماری دوره‌های تاریخی صفویه، افشاریه، زندیه و قاجاریه به صورت جداگانه بررسی و مطالعه شده است. معماری دوره‌های یادشده در برخی کتب با توجه به سبک معماری بناها تحت عنوان «سبک اصفهانی» و در بسیاری از منابع با توجه به دوره‌های زمانی و بر اساس سلسله‌های حکومتی مورد مطالعه قرار گرفته است. در کتاب حاضر مطالعه معماری بر اساس دوره‌های تاریخی انجام شده و نگارنده را سعی بر آن بوده که با نگاهی تازه و جامع به این موضوع بپردازد. هدف از تألیف این کتاب به دست دادن منبعی جامع و درخور برای واحد درسی «باستان‌شناسی ایران از قرن ده تا عصر حاضر» دوره کارشناسی رشته باستان‌شناسی بوده و امید است که نیاز دانشجویان این رشته و همچنین رشته معماری را برآورد. از آنجا که غالباً هیچ نوشته‌ای بدون لغزش و کاستی نیست از خوانندگان ارجمند تقاضا دارم که با تذکر لغزش‌ها، نویسنده را در اصلاح چاپ‌های بعد راهنمایی کنند.

برای درک بهتر مطلب جا به جا، تصاویر، نقشه‌ها و مدارک متناسب با موضوع در لابه‌لای مطالب گنجانده شده است. جا دارد از همه کسانی که در تهیه تصاویر، نقشه‌ها و مدارک لازم نگارنده را یاری رساندند، به ویژه از آقایان دکتر عباسعلی احمدی عضو هیئت علمی دانشگاه شهرکرد به خاطر ارائه تصاویر تعدادی از کاروانسراهای استان اصفهان، دکتر محسن جاوری عضو هیئت علمی دانشگاه کاشان، ابوالفضل میردهقان اشکذری دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا، سید مجتبی خوارزمی دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه زاهدان و سید محسن علوی مدیر کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کردستان صمیمانه تشکر نمایم. همچنین از مسئولان آرشیو میراث فرهنگی استان‌های یزد، کرمانشاه، کردستان و شهرستان شهرضا و

همچنین سایر کسانی که به نحوی نگارنده را یاری رسانده‌اند و در این جا نامشان به سهواً از قلم افتاده است سپاسگزارم.

در پایان بر خود لازم می‌دانم که از مسئولان سازمان سمت، به‌ویژه آقای دکتر محمدرضا سعیدی هرسینی مدیر گروه باستان‌شناسی، برای پیشنهاد نگارش این کتاب، و همچنین آقای تورج رهبر صمیمانه تشکر نمایم.

دکتر محمدابراهیم زارعی

دانشیار دانشگاه بوعلی‌سینا، همدان

مقدمه

اگرچه درباره معماری ایرانی کتاب‌ها و مقالات متعددی نوشته شده و در هر یک از آنها بخشی به معماری دوره صفوی اختصاص یافته و در برخی از منابع هم اشاراتی به معماری دوره‌های زندیه و قاجار رفته است، اما به نظر می‌رسد معماری این بازه زمانی (از دوره صفوی تا پایان عصر قاجار) نیازمند مطالعه‌ای جداگانه است، زیرا متنی منسجم درباره معماری دوره‌های یادشده، در ادبیات باستان‌شناسی و معماری ایران تدوین نشده است. از این رو لازم می‌نمود که با سامان دادن چنین تحقیقی، نقش مؤثر معماری این ادوار تاریخی را در معرفی و بازساخت معماری ایرانی یادآور شد، چرا که آثار معماری این دوره‌ها در تاریخ معماری ایرانی جایگاه خاصی دارد. در همین راستا این پرسش مطرح می‌شود که آیا معماری دوره معاصر برآیند این ادوار محسوب می‌شود؟ پاسخ منفی است. به این جهت که معماری امروز ایران نمادهای گذشته را یکسره به کناری نهاده است.

یکی از نظریه‌های جاافتاده و کهن در بررسی معماری ایران مبتنی بر نقش مؤثر حکومت صفوی در احیای آگاهانه ملی‌گرایی، پس از سال‌های متمادی سلطه بیگانه بر این سرزمین است. این نظریه می‌تواند مؤید این نکته باشد که می‌توان این سلسله را پس از اسلام، حکومتی ایرانی قلمداد نمود. حکومت صفوی در مقطعی از تاریخ ایران روی کار آمد که بخش‌هایی از این سرزمین در قلمرو مغولان، تیموریان و ترکمانان قرار داشت. شاه اسماعیل با انجام اقداماتی نظیر بازسازی مساجد و مدارس و برخی بقاع متبرکه و همچنین احیای کتابخانه سلطنتی تبریز با مسئولیت کمال‌الدین بهزاد، توانست زمینه مساعدی در عرصه‌های هنری و معماری کشور فراهم کند؛ به طوری که در زمان جانشینان او از جمله شاه طهماسب و شاه‌عباس اول در زمینه معماری گام‌های استوارتری برداشته شد. معماری ایرانی در دوره شاه‌عباس اول در اصفهان به مرحله‌ای از کمال رسید که به درستی از آن با نام سبک یا شیوه اصفهانی یاد شده است. به نظر می‌رسد که اگر این شیوه را صرفاً برای دوره صفوی به کار بریم قابل‌پذیرش باشد. صفویان در زمینه معماری و طراحی شهری که

آثاری از آن هنوز بر جای مانده، نوآوری کردند. به عنوان نمونه در زمینه تزیینات معماری سبکی اصیل و باشکوه در بناها به نمایش گذاشتند. علاوه بر معماری، محصولات هنری دوره صفوی کاملاً ویژگی و مشخصه ایرانی داشت. هرچند هنر و معماری این دوره پس از شاه عباس اول به تدریج دچار سیری نزولی شد، اما هیچ‌گاه وضعیت همانند دوره قاجار نشد. صفویان در طراحی شهری، ساخت بازارها، کاروانسراها، مساجد، مدارس، مسجد-مدرسه‌ها و ترکیب باغ و کاخ‌ها، در عین تداوم سنت هنری و معماری ایرانی خود، نوآوری‌ها و ابتکارات قابل توجهی کردند. یکی از این ابتکارات هماهنگی طرح‌های شهرسازی با طبیعت بود. آنان ترکیب کاخ و باغ را - که ریشه در معماری پیش از اسلام دارد - به مرحله‌ای از شکوه و زیبایی رساندند که بسیاری از هم‌عصران را مقهور و متأثر از خویش نمودند. به عنوان مثال گورکانیان هند در طراحی تاج‌محل، متأثر از معماری دوره صفوی (سبک اصفهانی) بودند. این روند، با ضعف و پیری حکومت صفوی و یورش‌های بیگانگان روی در زوال نهاد و بدین طریق مسائل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، زمینه را برای از هم گسیختگی بسیاری از هنرها از جمله معماری، فراهم نمود.

یورش افغان‌ها با سقوط صفویان موجب ظهور نادرشاه افشار در عرصه سیاسی - اجتماعی ایران گردید. نادرشاه اگرچه در کارهای نظامی و سیاسی کامیابی‌های فراوانی حاصل کرد، ولی هیچ‌گاه نتوانست اوضاع فرهنگی و هنری را به سامان پیشین بازگرداند. موفقیت‌های درخشان سیاسی نظامی نادر بر همه امور سایه انداخت، ولی این تحولات در معماری تأثیر ژرفی نهاد و نادرشاه تنها توانست پس از انتقال پایتخت به مشهد در کلات، آرامگاه (کاخ) و مسجدی بسازد. با تغییر پایتخت در دوره نادر تحولی در معماری این دوره به وجود نیامد و پس از مرگ وی اوضاع روی در وخامت نهاد و ایران دوباره دچار هرج و مرج گردید.

دوره کریم‌خانی اگرچه دیری نپایید، ولی در شیراز پایتخت، کارهای معماری و شهرسازی درخور توجهی انجام گرفت. شهر شیراز با طرحی متناسب با ایده‌های کریم‌خان طراحی و ساخته شد. کریم‌خان با فراخواندن معماران، هنرمندان و صاحبان حرفه‌ها از سایر نقاط ایران، مجموعه مهمی با ترکیب بازار، ارگ، دیوان‌خانه، باغ نظر، مسجد و حمام وکیل احداث نمود. این ساخت‌وسازها شیراز را به یکی از مراکز مهم معماری و شهرسازی تبدیل کرد. هرچند که اجرای این پروژه‌ها، شیراز را در مقام و موقعیتی مناسب قرار داد، ولی در سایر شهرهای مهم عصر صفوی همچون کرمان و سنندج، پروژه‌های معماری و

شهرسازی اجرا نگردید. معماران و هنرمندان عصر زندیه در طرح‌ها و تزیینات، متفاوت از دوره صفوی عمل کردند. با مرگ کریم‌خان، ایران باز درگیر نابسامانی شد و بسیاری از پروژه‌های معماری نیز بی‌تأثیر از این اوضاع تاریخی و اجتماعی نماند.

آغامحمدخان نیز همچون بسیاری از بنیان‌گذاران سلسله‌هایی که در ایران به قدرت رسیدند در پی تحکیم پایه‌های فرمانروایی خویش بود. در توسعه شهرها به‌ویژه در ایجاد آثار معماری نامی از خود به جای نگذاشت و به جز انتقال ستون‌های یکپارچه دیوان‌خانه شیراز به همراه پیکر دفن‌شده و کیل‌الرعا یا (کریم‌خان) به تهران، کاری انجام نداد. در زمان فتحعلی‌شاه در نتیجه چند عامل، اوضاع معماری در برخی از انواع بناها رو به تحول و دگرگونی نهاد. از سویی جنگ‌های طولانی با روس‌ها و از دیگر سو خطر سقوط و نداشتن مشروعیت در نظر مردم موجب شد تا فتحعلی‌شاه بیش از اسلاف خود به توسعه مساجد، به‌ویژه مسجد - مدرسه‌ها و مساجد شاهی (سلطانی) روی آورد. در کنار این اقدامات ایجاد نقش برجسته‌های متعدد از تصویر خویش بر این گمانه افزود که او در پی به دست آوردن مشروعیت و نمایش قدرت است. به هر روی توجه به معماری مذهبی، موجب ایجاد مساجد سلطانی و مسجد - مدرسه‌های باشکوهی در شهرهای مختلف با اهداف سیاسی - مذهبی گردید. این شیوه کار در زمان سلطنت ناصرالدین‌شاه به‌ویژه در زمینه معماری و شهرسازی دگرگون گردید. تأثیر سفرهای فرنگ موجب ایجاد اولین دگرگونی‌ها در ساختار شهری تهران، به‌ویژه در برج و باروی شهر و برخی بناهای مجموعه کاخ گلستان شد. برج و باروی تهران تحت تأثیر معماری پاریس و با همکاری معماران فرانسوی تغییر یافت. همچنین در طراحی خانه‌های اعیانی و بزرگ برخی فضاها متأثر از معماری اروپایی تغییراتی کرد.

آرایه‌های معماری این دوره در برخی موارد در تضاد با فرهنگ ایرانی بود، ولی برای اجرا ظاهراً ناچار به الگوبرداری بودند. در این دوره نقاشی‌ها، گچ‌بری‌ها و کاشی‌کاری‌ها به لحاظ شکل، طرح، رنگ و نقش با دوره‌های پیش متفاوت بود. آنچه در شیوه اصفهانی در دوره صفوی اجرا شده بود، در این دوره مورد توجه نبود. نقاشی چهره‌ها، منظره‌ها و صحنه‌ها در بسیاری موارد به نقاشی‌های اروپایی نزدیک شد. هرچند کاشی‌کاری‌های این دوره در تداوم تکنیک‌های دوره‌های پیش بود، ولی در طرح‌اندازی و رنگ و استفاده از آن در سطوح ایوان‌ها و دیوارها تغییراتی ظاهر شد و در نتیجه کاشی‌های این دوره از کاشی‌های دوره صفوی کاملاً قابل تفکیک است. با این اوصاف به نظر می‌رسد

که برای دوره قاجار یک سبک معماری تحت عنوان «سبک تهران» را می‌توان قائل شد که عملاً متأثر از تفکر و اندیشه‌های معماران و هنرمندانی بود که در کارهای معماری پایتخت فعالیت می‌کردند. این شیوه در اواخر دوره قاجار به سویی حرکت نمود که تأثیر معماری اروپایی در آن بسیار بارزتر شد. در سبک تهرانی، تزیینات، قوس‌ها، فضاها و سردرهای شهری و بسیاری عناصر دیگر دگرگون شد. با توجه به تحولاتی که در هر یک از دوره‌ها مشاهده می‌شود و با تکیه بر نظریه‌ای که در بالا بدان اشاره گردید، نوشته پیش رو بر اساس دوره‌های مختلف تاریخی شامل دوره‌های صفویه، افشاریه، زندیه و قاجاریه با تدقیق در انواع بناها و آرایه‌های معماری، ملاک مطالعه و تنظیم قرار گرفته است.

از زمان شکل‌گیری دولت صفوی تا پایان دوره قاجار تحولات فراوانی در زمینه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی و سیاسی رخ داده که به طور مستقیم یا غیرمستقیم در معماری و آرایه‌های معماری ایران نقش بسزایی داشته است. پرداختن به «معماری ایران از دوره صفوی تا پایان عصر قاجار» در کتابی جداگانه با نگاهی به انواع بناها و تزیینات وابسته به معماری کاری تازه است و بدون تردید دریچه‌های تازه‌ای به روی پژوهشگران خواهد گشود.

کتاب حاضر در ده فصل و با توجه به تقسیم‌بندی انواع بناها تنظیم شده است. فصل نخست به منابع پژوهش اختصاص یافته است؛ در مطالعه معماری از منابع ادبی، سفرنامه‌ها، نقشه‌ها، طرح‌ها و تصاویر قدیمی استفاده شده است. در فصل دوم به تاریخ شکل‌گیری حکومت صفوی توجه شده و در فصل سوم معماری دوره صفوی بر اساس گونه‌شناسی بناها مورد مطالعه قرار گرفته است. فصل چهارم درباره تزیینات معماری دوره صفوی از کاشی‌کاری تا ارسی‌سازی است. فصل پنجم به تعدادی از شهرهای دوره صفوی به‌ویژه پایتخت‌ها و دو شهر والی‌نشین و حاکم‌نشین پرداخته است. در فصل ششم بررسی معماری دوره افشار با تجمیع معماری و تزیینات معماری عرضه شده است. فصل هفتم به معماری و آرایه‌های معماری دوره زندیه اختصاص یافته است. فصل هشتم درباره معماری قاجار است. در فصل نهم کتاب آرایه‌های معماری دوره قاجار بررسی شده است. فصل دهم به طور ویژه به شهر تهران «پایتخت دوست‌ساله» اختصاص یافته است. در نهایت نیز شرح برخی واژه‌ها و اصطلاحات معماری و کتابنامه عرضه شده است.